

In the name of Allah, the beneficent, the merciful

رساله 67 از محمود صناعی پور: خبره میان رشته ای ویاد گیرنده مادام العمر (به رزومه و کارنامه ایشان مراجعه شود)

Discourse 67: from mahmoud Saneipour: interdisciplinary expert and longlife learning (LLL), learned man

روش های عقلی در علوم و فنون در دنباله روش شناسی در مدل **UKRM** با اسلوب برهانی برداشت هائی از حکمت متعالیه ملاصدرا و فلسفه رئالیسم علامه طباطبائی (ره) در این بحث

Logical methods into sciences and technologies following the methodology about **UKRM model with argumentative style of some interpretations of Mulla Sandra's transcendent wisdom and realism philosophy from Allameh Tabatabaei in this discourse.**



Mahmoud saneipour

Date: 4/6/2020

در این درس روش شناسی می خوانید (You're reading in this methodology lessen)

1. روش های عقلی در علوم و فنون (conceptual methods into sciences and technologies)
2. چگونه حقیقت وجود برای انسان کشف و شهود میشود (how the truth of existence is revealed to man)
3. روش شناسی در قواعد مدیریت دانش مفید (UKRM) و پروژه های یقینی آن (methodology about)
4. مدیریت دانش مفید با مدیریت دانش متفاوت بوده و به قواعد ارزشی خودش اتکاء دارد (rules of useful knowledge management and its certain projects-UKRM)

The useful knowledge management is different by knowledge management and has relying on its rules, s values

5. ضرورت خلق ارزش از اعتباریات حقیقی و منبعث از UKRM

The necessary innovation of values from true credits and derived from UKRM

6. رفع روانشناسی بی تفاوتی در مدیریت های فاقد ارزش حقیقی باید چگونه انجام شود؟

The Elimination of Indifference psychology in the managements,

How to do it without true values?

7. نگاهی اجمالی به جزئی از طرح مفهومی پلتفرم UKRM (به سایر رساله ها درمورد طرح مفهومی این پلتفرم مراجعه شود)

A brief look at a part of the conceptual design of UKRM platform (refer to other discourse about conceptual design of UKRM platform)

8. لیست محصولات انرژی هسته ای در فناوری جهان

List of nuclear energy products in world,s technology

1. روش های عقلی در علوم و فنون (conceptual methods into sciences and technologies)

عقل یک کلیاتی را در اختیار انسان میگذارد که از توان دستگاہ حسی و برداشتهای ذهنی خارج است ، برای اینکه عقل انسان (باب العقل و الجهل از کتاب اول اصول کافی از کلینی)، قوه و استعدادی است که فرامین الهی و حقیقی را تبعیت کرده و برای خداوند متعال وجدی محبوب و وجودی مطلوب و در خور انسان حکیم و دانشمند و حق شناس طی طریق میکند ، منظور از عقل یعنی همان قوه تشخیص خیر و شرّ بوده و هادی انسان بسوی نیکی و صلاح و باز دارنده وی از هرگونه شرّ و فساد است ، به عبارت دیگر ارزش انسان به میزان برخورداری وی از این قوه و استعداد است و اطاعت و انقیاد از ساحت عقل خدادادی بوده و به اندازه بهره بردای از این نعمت عظمی ، در زندگی دنیا توفیق حاصل کرده و در روز جزاء به مقدار عقل مداری خود ، مستحق پاداش خواهد بود.

تعقل انسان منوط به اعتباراتی است که از وجود نظیر عدم وجود ، امکان وجود ، مجرد وجود یا کثرت وجود و امثال اینها سرچشمه گرفته و قبل از ذهن که از اشیاء عکس برداری میکند ، وجود دارند ، در واقع مفاهیمی است که قدرت درک آنها توسط عقل بوده و با لمس کردن ، شنیدن ، دیدن و چشائی و بوئیدن مفاهیم ذاتی و حقیقی موجودات فهم نمی شود، بنابراین بین مفاهمه و احساس (The concept of senses) تفاوت از زمین تا آسمان است ، همانطور که بین حقیقت و واقعیت (real and truth) تفاوت از ثری تا ثریا است

[Top 10 Differences Between Truth and Reality - LinkedIn](#)

مفاهیم عقلی عام هستند و در ساحت قوای عقلی وجود دارند ، یعنی با تفکر (thinking) و تحقیق (researching) این قوه (power) برای درک و فهم معقولات (contemplative sciences) مستعد میشود، این معقولات ثانویه (Secondary Rationalities) نام دارد که منبعث از عقل کل (General wisdom) و یک بحث فلسفی است ، این مفاهیم منطقی (logically) و بدیهی (Obviously) به انسان کمک میکند که شعاع تفکر و اندیشه خود را از آنچه میبیند ، حس میکند و صورت گری می نماید ، برای توسعه علم و فناوری به فرضیه های (hypothesizes) مستدل (Reasonable) تبدیل کند ، در این مرحله ابتداء به فرضیه یک اعتبار یقینی میدهد و محقق یقین میکند که با آزمون این فرضیه به کشف و شهود وجودی در خور و شایسته شیئی رسیده و محصولات از آزمون این فرضیه در مراکز رشد و تهیه نمونه (prototype) مناسب برای آزمون های بعدی فراهم کرده است ، لذا در دنیا مشاهدات و شیئی گرائی ، اولین موضوع مهم اینست که یک شرکت دانش بنیان ، مستنداتی ارائه دهد که ایده و یا فرضیه انتخابی وی یقینی (Certainty) بوده که از لحاظ علمی صحت داشته و محصولی در جهت هدف محقق تولید میشود که برای جامعه بشری نیز مفید (USEFULNESS) باشد ، مفیدیت از شرایط قطعی و حتمی در مدل UKRM است.

علم بی پایان است و در مسیر خود توسط دانشمندان و محققین به مرز های جدیدی نائل آمده و برای دانشوران ، مرز های توسعه ای را احراز میکند ، امور یقینی به امور برونی علم و دانش مربوط میشود که یکی از نشان های تصدیقی (Affirmative) آن مفید عام (Useful General) و آن موقعی است که علم به معلوم خود شالوده و شاکله پیدا میکند ، یعنی ارزش علم به ارزش معلومات آن است ، مثلاً برون دادهای آن چقدر برای محیط زیست مفیدیت داشته است ؟، در بحث های غیر مادی یعنی علوم انسانی نظیر علم اقتصاد ، آن علمی مفید است که در روی زمین ، گرسنه ای کوکی گِل (خاک) یا پهن گاو (cowpat) نخورد ، صدها فرضیه های غلط اقتصادی که توسط محققین غیر صادق نظر پردازی شده و دانشگاه ها تدریس کرده و اقتصاددان تحویل جامعه داده اند که دنیا بین کاخ نشین ها و کوخ نشین ها تقسیم کنند وجود نیاید ، به تصاویر زیر نگاه کنید.





کشور هائیتی به فرانسوی (Haïti) یا Ayiti نام رسمی جمهوری هائیتی کشوری است در جزیره هیسپانیولا در دریای کارائیب پایتخت آن پورتو پرنس است ، همانطور که ملاحظه میکنید بر اساس فرضیه های غلط و خلاف عدالت توزیعی بسیاری مردم آن از فضولات حیوانی و خاک تغذیه میکنند (شما انتظار دارید که ویروس کرونا از سوی خداوند مامور بالانس جهانی قرار نگیرد) و این در حالی است که این کشور در کنار اقیانوس آرام بزرگترین اقیانوس جهان بوده که مملو از آب زیان ، جلبک ها و پتانسیل های اقیانوسی است ، استعمار گران منابع قیمتی و سرشار آنان را می ربایند و این ها با فقر مطلق زندگی کنند و توان فکری ، عقلی ، صنعتی و خلاقیت برای استفاده از این منابع عظیم خدادادی برای فعال کردن و تغذیه نیروی انسانی خود ندارند.

معلوم علمی (Known scientifically) قطعه ای از هستی است که ممکن است با فرضیه دیگر از یک فیلسوف بدکردار (فیلسوفان بدکردار نام 13 تن از فیلسوفان بدنام و کثیف اروپا است که تمدن و فرهنگ بالنده اروپا را به فنا داده و از اروپا فرهنگی برحسب سرمایه داری و استثمار و استعمار کشورهای جهان در آسیا و امریکای لاتین بوجود آورد ولکه های ننگی به دامن اروپا نشانند) به مقالات این نویسنده در این موارد مراجعه شود) به انحصار و احتکار و تراست های جهانی دربیاید ، این پدیده به معنی دورزدن علم مفید و راضی شدن به علمی است که کاخ نشینی را سردمدار دنیا و سرنوشت ملت ها میکند و علم یقینی را از حیثیت و شرافت خود دور میسازد.

ابداعات از صور ذهنی تراوش نکرده و انتزاع و متصاعد نمی شود، ابداعات از قوا و استعداد تفکر با خلاقیت فراگیر میشود ، این فراگیری مثل شجره فراکتالی (the fractal tree) رشد میکند یا توجه به هستی شناسی هیبریدی (Hybrid ontology) جهان است (به مقالات این نویسنده مراجعه شود)، صورت های حاکی از نشان های و مثالی هستند ولی ماهوی نیستند، حقایق و روش های کشف آنها با قدرت عقل است ، از امور فرضی نیستند ، در واقع روش و اسلوبی که ما را به حقیقت میرساند از عهده حس بر نمی آید ، بنابراین راه حصول علم طبق قاعده مثلث "حس، عقل، ابداع ("sense, the triangle intellect, invention) است، حس برای دریافت های صوری و مثالی ، عقل برای کشف و شهود در رسیدن فرضیه و تصدیق آن ، آزمون برای فرضیه ، رد یا تأیید آن و این مراحل با نصایح ، تضارب افکار و جدال و گفتگو بدست نمی آید ، منظور ما از قدرت مباحثه استدلال های علمی (discourse) ، گردهم آوری و با

روش دلفی (Dephi) بحث کردن نیست، (یک نوع تدریس ویادگیری تعلیمی لازم است)، یک بحث علمی میان رشته ای (interdisciplinary experts) است.

پس انسان به عنوان تنها عنصر تعقلی و تفکری در روی زمین، موجودی خردمند است و موجودی است دارای قدرت حل مسئله، که بر همین اساس می‌تواند در مواجهه با مسائل و معماها پرداخته و به حل آنها موفق شود، در طول زمان مسائل و مشکلات زیادی برای بشر پیش آمده و هر کدام درگیری‌های ذهنی را ایجاد کرده‌اند ولی انسان از بی‌جواب گذاشتن این مسائل و مشکلات از طریق عقل کوتاه نیامده و با تلاش جدی در پی پاسخی برای آن کوشیده است. انسان با تدبیر و تلاش خود کوشیده تا هر روز زندگی بهتری نسبت به گذشته برای خود داشته باشد، بدین معنی که همواره تکنولوژی پیشرفته تری را ایجاد نموده و سهولت بیشتری فراهم نموده است، پس ماشین‌های دست‌ساز که بشر ساخته‌است کارهای او را انجام می‌دهد و خود به استراحت و آسایش بیشتری می‌پردازد.

این قوت بنام علم النفس (self-science) یاد میشود که برداشتی از هستی و هستی‌شناسی و چرایی‌های است که با قدرت تفکر حاصل میشود می‌خواهد در کم و کیف موجودات و صحت و سقم آنها تجربه پیدا کند و از طریق آزمون به حقایق آن نائل گردد و نهایتاً حکم صادر کند، کار ذهن خالی از حکم (the activity of mind is Empty from command) است و این درحالی است ما برای زندگی به احکام (commands) نیاز داریم، برای اینکه ترکیب و یا ترکیب موجودات و مواد با هم با آنچه در ذهن متبادر میشود ولی به علت و معلوم و علیت تراکمی (Causal congestion) نیاز دارد به تجزیه و تحلیل (analysis) نیاز دارد، به شکست یا خرد کردن (breakdown) کل به جزء نیاز دارد، این‌ها یک سری عملیات و همراه با تفکر و تحقیق و تفحص است، تا به تصدیق برسد، موضوع تصدیق کردن چه در مرحله فرضیه‌شناسی و چه در مرحله آزمون فرضیه ضروری است، یک امر جدی است، اینکه فرض شده که کوآرک (Quark) ذره بنیادین ماده (Fundamental particle of material) است، تردید پیارمون آن آغاز شد، همان شکی که در مورد خود "اتم بمعنی لایتجزی" وجود داشت، این ذره می‌تواند یکی از اجزای پایه‌ای تشکیل دهنده پروتون و نوترون باشد، نه تامت آن، چنانچه این فرضیه به شرح زیر اصلاح شد:

کوآرک به انگلیسی (/ˈkwɔːrk/ or /ˈkwaːrk/) (Quark)؛ یک **ذره بنیادی** و یکی از اجزای پایه‌ای تشکیل‌دهنده **ماده** است. کوآرک‌ها با هم ترکیب می‌شوند تا **ذرات مرکبی** به نام **هادرون** را پدیدآورند که پایدارترین آن‌ها **پروتون** و **نوترون**، اجزای تشکیل‌دهنده **هسته اتم** هستند (در اوایل دهه ۲۰۰۰، گروه‌های متعددی ادعای اثبات وجود تتراکوآرک و پنتاکوآرک را نمودند. در حالی که وضعیت تتراکوآرک‌ها همچنان نامشخص است، همه نامزدهای پیشین پنتاکوآرک مشخص شده که وجود ندارند.) به خاطر پدیده‌ای که به **جیس رنگ** معروف است، کوآرک‌ها هیچ‌گاه به صورت انفرادی یافت نمی‌شوند و مستقیماً قابل مشاهده نیستند؛ آن‌ها را فقط می‌توان درون هادرون‌هایی مانند **باریون‌ها** که نمونه‌های آن‌ها **پروتون** و **نوترون** هستند) و **مزون‌ها** یافت (از ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد) به همین دلیل بیشتر دانش ما از کوآرک‌ها از مشاهدات خود هادرون‌ها نتیجه‌گیری شده‌است و این بی‌نهایت بودن علم ثابت میکند.

دردها ، رنج بردن و خوشی ها حالاتی هستند که ربطی به صور ذهنی ندارند ، منبعث از علم حضوری هستند ، برای همین که قانع می شویم که قاعده مثلث اتحاد" علم ، عالم ، معلوم " (the rule of uity "science , scientist , given") یک اصل است که معلوم میکند که شخص عالم در نحوه کشف و شهود علمی مدخیلت ذاتی دارد و وسیله نیست ، جزء ارکان کشف معلوم است ، یعنی کاشف و ابداع کننده یک ضلع وجودی از مثلث کشف و ابداع است و او با عقل ، تفکر و هوش خود ، توانسته از دانستنی ها و یافته های خود ، ایده بسازد و ابداع کند و آنها را به محصول برساند، این سه اسباب در عرض یکدیگر قرار دارند ، انسان کاشف از اسرار علم ، چیزی فهم میکند که شاگردان وی در آموختن ، این آموزه را به آن اندازه دقت نمی یابند و حقیقی که کاشف برای ظهور آن تلاش کرده است را نمی داند ، مثال تاریخی آن بسیار است ، آلبرت انیشتن (Albert Einstein) موفق به کشف رابطه هم‌ارزی جرم و انرژی شد شکل زیر: که (E) انرژی معادل از حاصل ضرب جرم ماده (m) و (c) سرعت نور است (حدود 300 هزار کیلومتر در ثانیه) به توان 2 : شکل 1

The diagram shows the equation $E = mc^2$ in the center. Above it, a box contains the text "value" and "energy | mass | speed of light". Below it, another box contains the text "J | kg | 299,792,458 m/s" and "units". At the bottom, the value of c^2 is given as $c^2 = 89,875,517,873,681,800 \text{ m}^2/\text{s}^2$.

ادعای انیشتن نظیر بیشتر دانشمندان برای کشف و شهود تکیه بر الهاماتی بود که بوی الهام میشد ، این کشف در کنار کشفیات دیگر وی (در کتاب انیشتن و جهان بادکنکی- نویسنده : مایکل گلد اسمیت بر اساس یادداشت های خطی انیشتن) کشفیات دیگری داشته است ، کسی که مسیر خود را در این سیر و سلوک قرار میدهد به هوش خود نمی نازد و انیشتن کسی بود که تلاش ورنج بری را اساس توفیقات خود در یادداشت های خود آورده است ، یک روز انیشتن نامه ای به روزولت رئیس جمهور امریکا نوشت و منافع اتم را برای انرژی های مورد نیاز در جهان در اهداف مختلف شرح داد (امروزه لیست حاصل از انرژی هسته ای به شرح لیست پیوست است آخر رساله).

نظریه انیشتین در مورد هم ارزی جرم و انرژی ، به ماده به صورت یک بسته مترامی از انرژی نگاه می‌کند، طوریکه این دو به یکدیگر قابل تبدیل هستند، بعد از این کشف دانشمندان موفق به توجیه پدیده رادیواکتیو شدند، در این زمان انیشتین نامه‌ای به رئیس جمهور آمریکا نوشت و اظهار داشت که می‌توان با تبدیل جرم به انرژی بمب اتمی ساخت، در این زمان رئیس جمهور آمریکا دستور تاسیس سازمان عظیمی را داد که وی مسئول ساختن بمب اتمی شد، برای این کار از شکافت هسته اورانیوم استفاده شده بود، در سال 1945 اورانیوم به مقدار کافی برای ساخت بمب جمع شده بود و ساختن بمب در آزمایشگاهی در لوس آلاموس به سرپرستی فیزیکدان آمریکایی رابرت اوپنهایمر صورت گرفت، آزمودن چنین وسیله‌ای در مقیاس کوچک ناممکن بود، بنابراین اولین بمب اتمی در ساعت 5.5 صبح روز 16 ژوئیه 1945 منفجر شد و نیروی انفجاری برابر 20 هزار تن TNT آزاد کرد، دو بمب دیگری هم ، که یکی بمب اورانیوم به نام

پسرک به وزن 4.5 تن و دیگری بمب پلوتونیومی تهیه شد، اولی روی هیروشیما و دومی روی ناکازاکی در ژاپن افکنده شد، صبح روز 16 اوت 1945 در ساعت 10 و ده دقیقه صبح شهر هیروشیما با یک انفجار اتمی به خاک و خون کشیده شد، اوپنهايمر مسئول پروژه بمب و دیگران از شدت عذاب وجدان لب به اعتراض گشودند و به زندان افتادند، اوپنهايمر بعد سه دهه دق کرده و مُرد، آلبرت انیشتین در این زمان اعلام کرد که اگر روزی بخوایم دوباره به دنیا بیایم دوست دارم یک آهنگر شوم، آلبرت انیشتین ، سالهای آخر عمر خود را در شهر پرینستون (شهری در ایالات متحده آمریکا) به سر آورد، وی در این شهر بیشتر عمر خود را صرف تکمیل نظریه‌های خود در مورد وحدت نیروهای طبیعی کرد، انیشتین در 18 آوریل 1955 میلادی از دنیا رفت، یکی از خصوصیات بارز انیشتین ، قبول واقعیت و اعتراف به اشتباهات خود بود، خصوصیتی که شاید در بین افرادی که از نظر علمی جایگاه اندکی دارند، به ندرت وجود داشته باشد. به عنوان مثال زمانی او مشغول مطالعه نظریه گرانش و نسبیت عام بود، او با الهامات الهی کاری بس بزرگ برای نجات بشریت از سوخت های فسیلی و درد و آلام های بیماری صعب و العلاج و غیره انجام داد، ولی در قبال این نیات پاک ، آمریکا از این نیرو برای قتل عام ملت های مدافع حقوق خود سوء استفاده کرده ، آنها را قتل عام کرد ، واقعاً چگونه میشود آمریکا (شیطان بزرگ) تاوان این ظلم بزرگ را بدهد ، نیست مگر با حوادث سنت الله الهی و قدرت تکوینی در طبیعت نهان و آشکار هستی که امروزه روزگار تلخی را تجربه میکند و این تازه شروع افول حتمی سرمایه داری مخوف غرب است .

[اکتشافات البرت انیشتن - کلی همه چی!!! - blogfa](#)

[post > bihamta1379.blogfa.com اکتشافات البرت...](#)

2. چگونه حقیقت وجود برای انسان کشف و شهود میشود (how the truth of existence is revealed to man)

انسان در جوار علوم اکتسابی نیازمند تفکر و تعقل است ، با این توان تشخیصی و ابداعی هر چیزی را به صرف احساسات خود نمی پذیرد تا حقیقت آنرا نداند به یقین نمیرسد، در باب حقیقت مقالات زیادی نوشتم که خواننده محترم می تواند به وب سایت من مراجعه کند، یک بخشی از علم اکتسابی و بخشی دیگر از اداراک خاص خودش است ، و این بخش اخیر است که برای او پنجره های معارف و خلاقیت را می گشاید ، این قسمت از دانائی الهامی (Inspirational wisdom) ، حضوری (Presence) (شهودی (Intuitive) است ، یعنی انسان بجائی میرسد که خودش را نه به اعتبار دانشگاه رفتن و در مدرسه درس خواندن "من" میداند ، برای "من" خود از تصورات خود در آئینه ، دیدن های صوری ، خیال بافی ها ، البسه ، و نظیر اینها مایه نمی گذارد ، مایه های وجودی او ابداع (Innovation) است ، عمیق شدن در زوایای دانش بشری و کشف لایه های نهان از انسان است ، در درون فرورفتن و به خود شناسی خود میپردازد در این پردازش ها (processes) شهودی و معنوی به خالق خود آشنا میشود و به فلسفه وجودی (Existential philosophy) عارف میگردد و از پنجره های متعددی که برای او گشوده میشود ، یک لذت وافر و یک شوق فراوان و یک عشق زاید الوصف او را فرا گرفته که همواره در شادمانی و رضایت ویژه بسر میبرد.

این بمعنی کثرت در حصول کشف در ادراکات انسان است ، کیفیت آن در بسیاری از درس ها وجود ندارد ، عارف به این معنا و عمل ، با رفتار ، کاوش های خود ، استفاده از هوش خدادادی و تمیز بد از خوب ، خیر خواهی برای ابنای بشر و خیر رساندن در آشکال مختلف ، به شاگردان خود تعلیم میدهد ، در تمیز مدرکات چنان چیره است و ریشه مشکلات را فهم میکند که به نویسنده زیر دست ، دانشمند شیمی و فیزیک ، پزشکی حاذق و... تبدیل میشود ، این درس ها را هزاران خواننده اند ، ولی سنخ یادگیری و برون دادهای مفاهمه عارف به خود (self- possessing knowledge) با دیگران فرق دارد ، احساس دائمی این عارف اینست که هیچگاه تنها نیست ، در بیابان ، در خلوت ، در آزمایشگاه زیر زمین منزل ، و... تنها نیست ، شخصی نزد شیخ الرئیس ابوعلی سینا آمد ، دید تنها است ، گفت ابوعلی تنها هستی ، چه خوب شد آمدم از تنهایی نجات یافتی ، بوعلی گفت " آمدی تنها شدم " (معلوم میشود فرد تازه وارد ، هم عارف وهم شئان بوعلی نبوده است) ، اینکه از حبس خانگی هراس دارد و یا از قرنطیه در منزل در رنج است ، شخصی است که سودای گردش های غیر ضرور دارد ، از خود بیگانه است ، صاحب "من" را به خورد و خوراک و کارهای پوچ دنیا گرفتار ساخته است ، او هرگز نفهمیده است که همه دانائی در حقیقت انسان و خلاقیت انسان و ناخودآگاه انسان نهفته است نه ذهن ناهشیار انسان (The unconscious mind of man) ، یعنی ضمیر ناخودآگاه که قوی ترین نرم افزار مدیریت ذهن و استعداد های انسان است ، بقول غربی ها این کودک یا غول درون نیست ، این معلم بزرگ انسان است .

دوستی داشتم از برادرش که در انگستان درس فلسفه می خواند ، تعریف میکرد که درس فلسفه را خیلی دقیق می خواند و نمره های خوبی هم از استادش میگرفت ، یک روز استادش او را صدا زد و گفت : " فلانی توی کسال درس فلسفه می خوانی ، من ندیدم یک بار یک ایراد ، یک موضوع و یک نظریه فلسفی را نقد کنی ، پسرم تو بدرد فلسفه نمی خوری ، رشته ات عوض کن ! " دوستم گفت : " برادرم رشته تحصیلی خود را عوض کرد و در رشته دوم خود اهل تحقیق و ابتکار شد " ، فکر نکنید که سقراط (Socrates) ، افلاطون (Plato) ، ارسطو معلم اول (Aristotle the first teacher) ، فارابی معلم دوم (the Farabi second teacher) ابوعلی سینا (Abu Ali Sina) ، ملاصدرا (Mulla Sadra) ، هگل (Hegel) ، دکارت (Descartes) ، کانت (Kant) و نظیر اینها با درس و بحث دانشگاه بجائی رسیدند ، اینان خود عارف ذات خود و خدای خود شدند و از صدها پنجره ای که خالق برای آنها گشود ، راهنما و حکیم برای بشریت شدند ، دکارت 20 سال تمام در عزلت و تنهایی بود و خدمه وی فقط در موقع غذا دادن بوی ، درب باز میشد و غذا را به دکارت میداد و ظرف قبلی را میگرفت ، کشور فرانسه بر او سخت گرفت به هلند پناه برد و بعد به دربار سوئد برای ادامه فلسفه خود پناه برد ، در زمان خودمان بیل گیتس (Bill Gates) بعد از چند ماه در دانشگاه ، آنجا را ترک کرد و ایده خود را در زیر زمین خانه کوچک والدین خود ، آغاز کرد ، و صدها نفر دیگر .

خواننده محترم به خود آی که آنجا که خودت هستی ، در تنهایی شادمانه و مسرت بخش تنهایی های خود ، طرح جهانی خود را رقم میزنی ، به علم کهنه و مکرر و مدارک آن ، معلومات ارزشمند علوم که خودت درک میکنی ، همان حصول علم است ، منشاء علم دیدن ها و بصیرت ها دقیق تو ، مطالعه دائمی

ویادگیری مادام العمر و تفکر و تعقل پیرامون آنها است، ایرادهای که تواز علم و فناوری میگیری، همان دانش عمیق تو است، سرمایه حقیقی است که بدان تصرف یقینی پیدا کرده ای، یاد می آید از آدم فرزانه ای که به علتی از کشور مهاجرت کرد، در هنگام خروج از کشور، مامور گمرک کیف وی را بررسی کرد و مانع خروج آن کیف شد، آن شخص گفت: "این مال شما باشد، من چیزی را در گنجینه فکر و تعقل خود دارم که بدان نمی توانی دست بیازی، آن سرمایه منست!" در سفری در فرانسه پس از مذاکره و انجام ماموریت، از میزبان خواستم مرا به دیدن قبر دکارت و خانه ویتور هوگو ببرد، در مورد قبر دکارت از رفقایم سوال کرد: "قبر دکارت کجاست؟" بهم دیگر نگاه کردند و آن فرانسوی ها، قبر دکارت را که اهل فرانسه بودند، نمیدانستند، وقتی به آنها گفتم که دکارت قبر ندارد و قبر این دانشمند به یقین رسیده در خانه های مردم فرانسه است، تعجب کردند و در بازدید های دیگر نظیر موزه لورور پاریس باز همین بی خبری ها بود (از سعدی علیه الرحمه که فرمود، مرد نکونام نمیرد هرگز، مرده آنست که نامش به نکوئی نبرند)

[رهنه دکارت - مرواریدها - blogfa](#)

[shuaib176.blogfa.com > post](#)

تراز بین ارزش معلومات با عرفان و فهم انسان (the human,s knowledge, Gnosticism) تعریف دیگری از این ابداع کننده مدل UKRM است که مبنای دانش بشری و دانش بنیانی محققان قرامیگیرد، دانش (knowledge) باید مفید (Usefulness) باشد، یعنی دانش موقعی ارزش دارد که از منافع آن عموم بشریت برخوردار باشند و این موقعی ممکن میشود که انسان مبدع، متفکر و اهل تعقل و تحقیق برای این خیر خواهی جهانی، قیام کند، سرمایه آن، اسباب آن، زمینه های آن و مقدرات آن فراهم میشود، چون خداوند متعال یک بنده خیرخواه را در روی زمین یافته (آنجا که فرمود "من طلبنی وجدی و من وجدی عرفنی و... کسی که مرا طلب کند، مرا خواهد یافت و آنکه مرا یافت، مرا خواهد شناخت.... تا آخر حدیث قدسی نقل از حضرت محمد (ص) رسول اکرم)، حالا این شخص یهودی باشد مثل انیشتن که از دین یهود خارج شد، بیل گیتس باشد که مکتب ندیده، میکروسافت (Microsoft) را بنا گذاشت و بزرگترین بنیاد خیریه را دارد، یا ملا صدرا ایرانی، یا کنفیسوس چینی و در سراسر جهان (به مثلث هزاره حکیمان از این ابداع کننده مراجعه شود)، تا حسن ظن (Good suspicion) تو با کی و برای چی باشد و از متعلقات هستی، چی بتو تعلق گرفته است، گاهی ارسطو میشوی که استاد مشهور خودش افلاطون را برای رسیدن به یقین کنار میزند و روش و مدل برای دنیا تولید میکند و عنوان معلم اول را برای خود احراز می نماید.

3. روش شناسی در قواعد مدیریت دانش مفید (UKRM) و پروژه های یقینی آن (methodology about rules of useful knowledge management and its certain projects-UKRM)

ذهن در برخورد با یک موضوع جدید، واجد هیچ معلوم و معقولی نیست، برای اینکه کلیاتی که در ذهن دارد، فاقد درک جزئیات علم و بالطبع دانش منبعث از آنست و تا موقعی که انسان به جزئیات پی نبرد

در کلیات گیر میکند و این بزرگترین مشکل در حوزه های علمی و مراکز اکادمیک جهانی است و بهمین خاطر به کهنه گوئی متهم میشوند ، علم یا دانشی که به شاخص ها ، معیار ها ، مناط فنی و استاندارد های فیزیکی و معنوی و پروژه های یقینی تبدیل نشود ، همان بهتر که در آرشیوهای بایگانی خاک بخورد ، یک دیگر از مشکلات بشر، نهادینه شدن یک سری دانستنی بنام علم و دانش در ضمیر خودآگاه شخص است ، گوئی تمام دانستنی های دنیا ، همین است که درحافظه وی انباشت شده است ، چنین شخصی باربر جعبه محفوظات است ، اگر مشکلی پیش بیاید ، از حل آن مشکل در نمی آید ، یعنی این بالملکه شدن و آنچه میداند آنرا مستفاد پنداشتن ، یک حجاب برای وی وجود آورده که بین او و جهان هستی ، جهان بینی ، هستی شناسی و چرایی های آن ، دیوار بلندی ساخته است (من این موارد را در اشعار زندان ذهن و زمان (گره زمان) در دیوان خود آورده ام) ، چگونه میشود از کل گرائی به اجزاء گرائی رسید و به معماری سیستم آن موضوع ابداعی پرداخت.

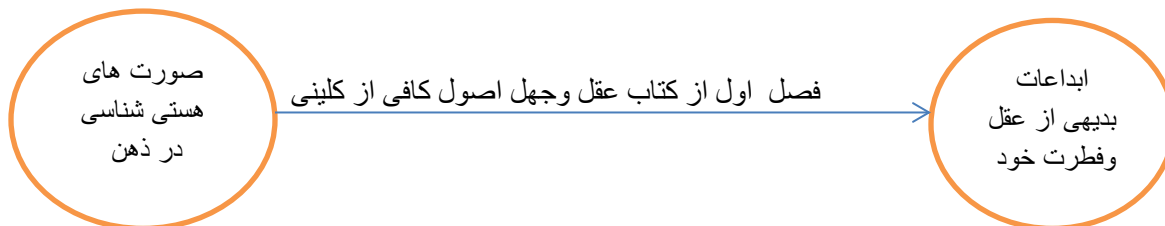
هنر ارسطو این بود که به ادراکات جزئی ای پرداخت که کل را به جزء تقسیم کند که در دانش جدید به آن مدل شکست کار (WBS: Work Breakdown Structure) میگویند ، که نمایشی از ساختار محصولات و یا خدمات قابل تحویل یک پروژه یقینی است که به بخش های جزئی تری تقسیم شده است، این ساختار هم به صورت بصری اطلاعات مفید زیادی در اختیار ما می گذارد و هم مرجع مناسبی برای مدیریت محدوده پروژه است و یکی از مهمترین اسناد پروژه محسوب می شود، منتهی ارسطو و محققان و فیلسوفان بعد از وی از مدل استقراء (Induction model) استفاده کردند ، فرق این دو مدل در معنای و مفهوم استدلال استقرائی (Inductive reasoning) که روشی برای جستجو و استنتاج انواع استقرا و تعمیم، استدلال علی، استدلال بر مبنای تمثیل و پیش بینی و آینده نگری نام دارند، فرایند استقراء را از مشاهدات جزئی شروع شده و به استنتاج نتایج تعمیم میدهد که در گذشته فکر میکردند روشی برای رسیدن از جزئیات به کل است .

استدلال کل به جزء یا استدلال قیاسی (deductive reasoning) یکی از دو استدلال معروف در منطق (استدلال کل به جزء و استدلال جزء به کل) {the *deductive* and *inductive* approaches} می باشد، استدلال کل به جزء هنگامی است که در استدلال از یک نظریه (تئوری) کلی استفاده کنیم و به فرضیه یا فرضیه های جزئی برسیم، در پژوهش ها، زمانی که پژوهشگر از نظریه استفاده می کند و فرضیه می سازد و برای آزمون فرضیه ها داده جمع آوری می کند و نتیجه می گیرد می گوئیم پژوهشگر از روش استدلال کل به جزء استفاده کرده است، روش استدلال جزء به کل (inductive approaches) بر عکس این روش می باشد یعنی پژوهشگر داده ها را جمع آوری می کند و الگو بین داده ها و متغیرها را کشف می کند سپس فرضیه می سازد و فرضیه را آزمون می کند و در نهایت نمونه سازی میکند، روش های جز به کل و کل به جز از دو روش مهم در پژوهش می باشد (the *deductive* and *inductive* methods). متأسفانه این روش در روشهای حسی -ابطالی (Sensory-annuling) در مکتب پوزیتیسم (The school of positivism) توسط افرادی نظیر کارناب (Carnab) و پوپر (Popper) نابود شد و بخصوص غرب دچار برون دادهائی از علم و دانش شد که آثار شوم آن در محیط زیست ،

اقتصاد سرمایه داری ، میلیون ها گرسنه (41 میلیون گرسنه فقط در امریکا) و صدها مشکل گردید که در هزاران i مثلث چالش ها و بحران های جهانی از من در وب سایت (www.elmemofid.com) آمده است .

جایگزین روش های فوق به صورت بدیهی عقلی (Clearly rational) توسعه و تکامل یافت ، که از انتزاعات ذهنی در حل مسائل بدلیل یقینی نبودن آن (در غرب در حال آغاز است) در حال کنار گذاشتن است ، این عقل سلیم است که از شهودات انسان کاوش گر ، به جزئی سازی کل میپردازد و نتیجه چنین کاوشی ، به ابداع میرسد و تازه گوئی و تازه نوشتن ، نه کپی – پیست (copy-paste) نه سرقت مطالب دیگران ، نه فقط ترجمه (Translation) ، نه از مدل های غربی اقتباس کردن ، وام گرفتن (Borrowing) ، تقلید کردن (imitate) و تکنولوژی منسوخ و رنگ شده و صنعت گریزی (deindustrialization) خارجی را به قیمت گزاف خریدن و برای توسعه صنعتی خود ؛ لیسانس ، مناط فنی و استاندارد نداشتن ، پس چرا کشورها عقب مانده میشوند ، چون روش ندارند ، تفکر و تعقل روش سازی را با (داشتن ، حکمت متعالیه و احکام نجات بخش خود) ندارند ، فقط ذهنشان در ماوراء بحار و در تبعید در ینگه دنیا است ، انسانی که خلیفه خداوند در روی زمین است ، از قدرت و استعداد کشف و شهود در علم حضوری (knowledge by presence) می تواند برخوردار شود ، چرا مایل نیست برخوردار شود بدلیل همان زندانی که به زندان ذهن (prison of mind) معروف است و یا از آن روانشناسی گشتالت (Gestalt psychology) تعبیر میکنند ، یعنی عادت کردن به روپایات و رفتار ها و فرهنگ زدگی و نظیر اینها که انسان را عقب مانده و بیچاره کرده است .

انسان قدرت یادگیری و توسعه یافتگی خود را دارد ، حد و حصری در این مورد نیست ، مگر به بهانه بی پولی ، به بهانه وقت ندارم ، به بهانه سرگرمی های غیر ضرور ، به بهانه های غیر منطقی ، خواب آلودگی و هزاران مشکل دیگری که از معاذیر کهنه و نهادینه شده ، انسان عقب مانده است ، اعتیاد دارد و فکر میکند که معتاد نیست ، در واقع به حقیقت نرسیده است ، به بدیهیات نرسیده است ، به فطرت ذاتی خود توجه نکرده است که ارزش ذاتی او برای فروش خود به ثمن بخش (ndervaluation) هدر میدهد ، بنابراین عقل فطری (Natural intellect) ، باید جایگزین عقل حسّی (Sensory intellect) او شود ، و تفکر جای وسیعی از درک مدرکات او را تشکیل دهد ، کار چنین عقلی ، تجرید از وجود ذی وجود شخص ابداع کننده است شکل 2



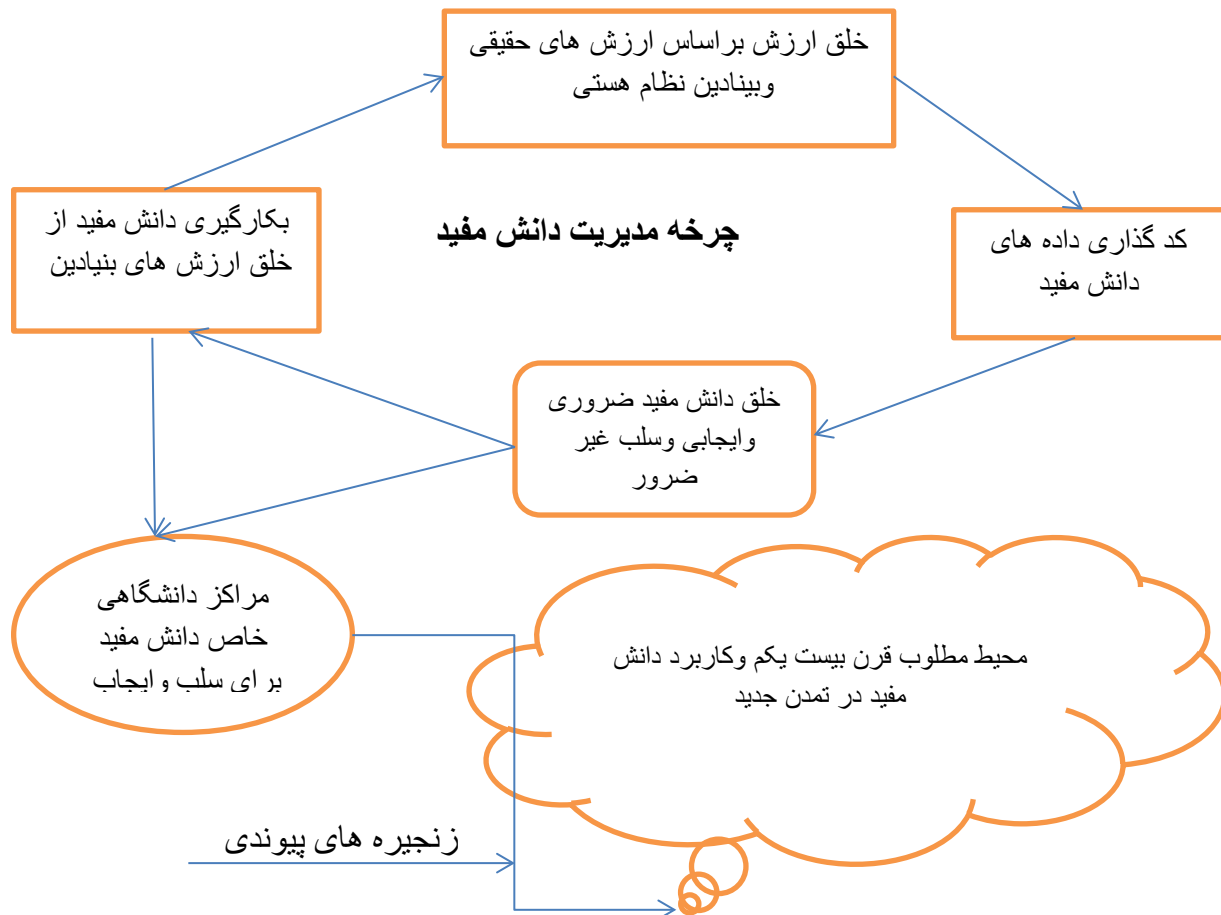
پس ذهن مجموعه ای از صور خارجی است که آنها ضبط کرده و حفظ میکند و تکلیف دیگری ندارد ، این کتاب وجود انسان است که به آنها معنی و مفهوم میبخشد و بر اساس آزمون فرضیه ها و تعقل پیرامون آنها ، ابداع میکند، انسان جستجو گر بمتابیه موتور جستجو (Search Engine) در این گنجینه محفوظات و محفوظات جهانی مثل گوگل (Google) تصاویر را به معانی تبدیل میکند و این بخشی از قوه و استعداد انسان محقق تلقی میشود و از آنها معلومات و مدرکات جدیدی ابداع میکند ، پس مدرکات و معلومات علمی و دانش بنیان از تعقل ، تفکر و خلاقیت انسان ناشی میشود و این ارزشی که انسان با کاوشگری خود به خودش اعطاء میکند ، چنین قوهای به عقل فعال (Active intellect) عنوان کرده اند ، بنابراین عقل فعال است که حافظه بزرگ گوگل (Google) را پویا و کارآمد میکند و گرنه گوگل اصالتاً یک حافظه فعال و تعاملی (Active and interactive memory) نیست ، ، بحث های مربوط به سرقت اطلاعات ، مالکیت معنوی و نظیر اینها در این سیر و سلوک ، تعبیر و تفسیر خاص خودش را دارد، در واقع کسی به قوه فکر کسب استعداد از کتاب وجود خود ، به حافظه های جهانی ، استعداد و ظرفیت و فرصت می بخشد ، از دید گوگل شناخته شده نیست و گوگل از ظرفیت خود در این مسیر بهینه عمل نمیکند و بخشی که علوم و فنون در حافظه انسانی و جهانی استفاده بهینه نمی شود و آن بخش بیشتر مورد استفاده قرار میگیرد که سرگرم کننده و مورد غفلت انسان ها است.

توانمند سازی نه گدا پروری که شیوه کار بنیاد خیریه بیل گیتس (Bill Gates) است ، باید سرمشق جهان قرار گیرد و گرنه به نظام سرمایه داری واگذار شود از کشف و اختراع انیشتن ، بمب اتمی برای کشتار جمعی انسان های بیگناه میسازد ، بسیاری از اقدامات ملی ، منطقه ای و بین المللی که کشورها از فقر و بدبختی نجات میدهد به این نوع تفکر وحدت گونه نیاز دارد و در مدل UKRM جهانی من به قواعد (Rules) تبدیل شده است ، که مدیریت جهانی (Global Management) آن آماده نشده است UKRM ، مدیریت جهانی برای رفع بحران های جهان ، یک فرا انقلاب است که زمینه و بستر فرهنگی آن که از اسلام الگو میگیرد در خود کشورهای مدعی اسلام هم ابتر (bobtailed) مانده است ، این یک اکوسیستم جهانی (Global Ecosystem) تلقی میشود ، این یک تمدن جدید اسلامی (New Islamic Civilization) تلقی میشود ، عهده دار آن حکمت و فلسفه اولی است ، به حقیقت شناسی احتیاج دارد که دانشگاه های جهان هنوز در این حقیقت شناسی تبحر ندارند ، مربوط کردن این موضوع عظیم به یک دین ، بیک آئین خاص ، بیک کشور خاص ، بیک سیستم خاص ، ممکن نیست و تصویری غیر حقیقی و نوعی ذهن گرایی است ، اینکه بعضاً معترف هستند که خیلی زود دیر میشود (Every Day Live For The Day) بی ربط نگفته اند ، سیر ایزاک نیوتن (Sir Isaac Newton) زاده ۴ ژانویه ۱۶۴۳ و درگذشته ۲۰ مارس ۱۷۲۷ (فیزیکدان، ریاضیدان، ستارهشناس، فیلسوف و شهروند انگلستان بوده است ، در ۱۶۸۷ شاهکار "اصول ریاضی فلسفه طبیعی" و اختراعات خورا را به نگارش درآورد، او از سیبب از درخت فرو افتاد و اوبه جاذبه پی برد که دلیل افتادن سیب، همان دلیل گردش سیاره ها به دور خورشید است، علم جاذبه را فهمید و بسیاری از مجهولات را با آن حل کرد، در آن زمان دنیا هنوز در سایه عقاید خرافی، جادوگری، کیمیاگری و باورهای قرون وسطایی به سر می برد، سادهترین مسائل علمی که امروز از نظر ما بدیهی تلقی می شوند، در آن دوران هنوز ناشناخته بودند، برای مثال زمانی که از گرانش سخن به میان می آمد بیشتر منظورشان رفتار و طرز راه رفتن دیگران بود نه نیرویی که اجسام را به زمین می کشد، در واقع دنیا آنقدر غرق در بی سوادی بود که هیچکس حتی تصور تولد نابغه ای که با سلاح ریاضی و تجربه اوضاع جهان را دگرگون کند، به خود راه نمی دادند، در دهه ۱۹۳۰ میلادی و بعد از فروش ملک متعلق به یکی از خویشاوندان دور نیوتن، تعداد زیادی مقاله علمی برجا مانده از او پیدا شد که نشان می داد او در تمام طول عمرش مشغول مطالعه در زمینه کیمیاگری بوده به بیان دیگر او یک عمر در این رابطه تفکر می کرده و شاید آنطور که در برخی کتابها به وی اشاره شده صرفاً ارائه کننده استدلال های خشک نبوده است.

با نگاهی اجمالی به تاریخچه فعالیت های نیوتن ، هم این حقیقت آشکار می شود، هم هر جا که بی نظمی بوده او در مقام نظم آفرینی برآمده و دفاع او از ریاضیات و استدلال شاید شناخته شده ترین مشخصه این دانشمند بوده، اما به واسطه همین روحیه بوده که او تمایل به کشف نادانسته ها هر چند از نوع عجیب و غریبش را داشته است، مشکلات

بعدي ، دير فهميدن اين گنجينه هاي گرانبها توسط ديگران پس از فوت کاشفين و اختراع کنندگان است ، براي همين است که براي استفاده از ابداعات و کشف و شهود هاي دانشمندان در زمان خود آنان معطل بوده و در حوادث و انقلابات تاريخي و بر اساس نياز هاي زمان بعدي و به تعبيری " در آينده" از ساحت علم و برون دادهاي دانش بشري استفاده نشده است، در واقع عوامل مانع در رفع مشکلات ملي و جهاني ، در بسياري موارد به سراغ يافتن اسلوب هاي (modes) است که اصول و فروع آنها در علوم و فنون ، حکمت ها و فلسفه هاي ضرورت شناختي گذشته است ، از شاهکارهاي نيوتن در قرن هاي بعد استفاده شد (استفاده مفيد يا غير مفيد) و همين مدل UKRM بر اساس حکمت و فلسفي اولي و اصولي است که قرن ها وجود داشته و در کتابخانه خاک مي خورده است ، حوادث تاريخي نقش مهمي در استفاده از تاريخ علم دارد و اين بر خورداري از علوم انساني ، بيش از علوم فزيکي و مادي صرف است ، منتهي در اين تفکر ، موضوع مهمي آشکار ميشود که نيات مقدس دانشمندان يکتا پرست مثل آلبرت اينشتين يا اسحاق (ايزاک) نيوتن ، با نيات کساني که بعداً از تئوري ها و يافته هاي قانون مند دانشمندان سلف استفاده ميکنند ، از زمين تا آسمان فرق دارد و در واقع تراز مندي و بالانس ي بر قرار نمي شود ، اين گونه موارد بعضاً در مدل UKRM مورد توجه قرار گرفته است و يکي از اين توجهات عطف به اصول و حقيقت ذاتي و بر خورداري از سرچشمه هاي حکمت در اين مدل است .

شکل 2



اصول سلب و ایجاب به اصول چندی مناط فنی (Basis) ربط پیدا میکند که یکی از آنها اصل امتناع اجتماع نقیضین یا ارتفاع نقیضین (The principle of refusal of the community of contradictions) است که عقل و فطرت انسانی، این اصل را تصدیق میکند و نشان میدهد که هر چیزی در ذات خودش ثبوت دارد و این ثبوت جوهری و ذاتی برای شئی دیگر فرق دارد بنابراین هر شئی ای جوهر ایجابی دارد که باید توسط محقق و یا شرکت دانش بنیان ساخته شود، مثل اینکه هر عنصر از عناصر جدول مندلیف (Mendeleev's table; periodic table) دارای انرژی ها شگفت انگیزی است که در نظریه اتم به معنی لایتجزی (punctual) فاقد این فهم بود، امروز همین فقدان دانش در ذرات بینادین کوارک (Quark) تجدید شده است، پس اصل تولید انرژی از از قوانین جوشی اتم و شکاف اتمی امری ایجابی و در بستر رشد و تعالی دانش، جایی برای تحریم ندارد و اصلاً جایی برای سلب از یک جامعه دانشور و فرهیخته ندارد، زمین دارای جاذبه است و اجسام بسوی خود میکشاند، ما برای ممانعت از این جذب و فرود اشیاء یا سلب جذبی قانون جاذبه، باید به نقیض آن یعنی قدرت پرتاب بپردازیم، اینجا یک اقدام سلبی لازم است، پس اصل سلب و ایجاب، در جای خود صادق و انسان خلاق باید از این اصل برای هرگونه سلب و ایجاب اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و صنعتی و غیره بهره برداری کند، این یک نگاه جهان بینی و هستی شناسی در اعمال روش های حکیمانه است سرمایه اصلی ملت ها در همین اصول نهفته است.

جریان از حرکت جوهری است، نه به عوارض اشیاء ربطی دارد و نه ابعاد آن، همان جوهری حرکتی و یا جاذبه ای که برای یک کیلو جرم عمل میکند برای وزن و اشکال دیگر جسم عمل میکند، مگر اینکه اصطکاک هوا، یا موانع دیگری که در ضد آن بکار رفته؛ مانع این حرکت جوهری شود، درک حرکت جوهری در قابل تحریم و یا تجارت خارجی، یا مرز های فیزیکی نیست که باعث معاذیری در رفع ایجاب ها و یا سلب های مخرب گردد، به توسعه علمی و رشد دانش مفید نیاز دارد، اینها هیچ کدام دارای موانع عارضه ای نیست، چون خداوند متعال قوه و استعداد و سرمایه آنرا در انسان خلاق و بپا خواسته تعبیه کرده است، مگر ملتی که در خواب است و بیدار شدن بسیار مشکل و شاید ناشدنی، مطالعه حکمت متعالیه و فلسفه متعالی که به دانش مفید تبدیل میشود؛ از الزامات رشته ای تحصیلی دانشگاه ها میباشد، این گونه دروس و تعالیم برتر، جهانی بینی و هستی شناسی و قدرت خلاقیت و دیدگاه های نوین و اسلوب های آنرا برای خبرگان فراهم میکند.

شکل 4

سیر دانش مفید در تشکیل قواعد مدیریت دانش مفید



شکل 5

مدل پیشنهادی مدیریت دانش مفید و مرجعیت آن



4. مدیریت دانش مفید با مدیریت دانش متفاوت بوده و به قواعد ارزشی خودش اتکاء دارد

The useful knowledge management is different by knowledge management and has relying on its rules, s values

یکی از تعاریف متعارف در مدیریت دانش به شرح ذیل است :

" **تعریف: مدیریت دانش:** راهبردها و فرآیندهایی هستند که قادرند تولید و جریان دانش را به منظور ایجاد و برآورده ساختن انتظارات سازمان، مشتریان و کاربران در کل سازمان به وجود آورند. **مدیریت** دانش، فرایند گسترده ای است که امر شناسایی، سازماندهی، انتقال و استفاده صحیح از اطلاعات و تجربیات داخلی سازمان را مورد توجه قرار می دهد. امروزه دانش مهم ترین دارایی سازمان ها محسوب می شود، لذا مدیریت دانش به منزله چالش کشف دانایی های فردی و تبدیل آن به یک موضوع اطلاعاتی به نحوی که بتوان آن را در پایگاه های اطلاعاتی ذخیره کرد، با دیگران مبادله نمود و در فرایند کارهای روزمره به کار گرفت. مدیریت دانش، موضوع مهمی است، زیرا به مهم ترین سرمایه ارزشمند سازمانی یعنی سرمایه های فکری (Intellectual Capital) مربوط می شود. مدیریت دانش با تبدیل سرمایه های انسانی به دارایی های فکری سازمان یافته برای سازمان ایجاد ارزش می کند. مدیریت دانش مستلزم وجود رهبری آگاه و تأثیرگذار در سازمان است. از عناصر جلوبرنده مدیریت دانش، فرهنگ سازمانی متکی بر **خلاقیت** و نوآوری است. برای توسعه مدیریت دانش در سازمان باید تغییراتی که منجر به تعامل و یا بازسازی دانایی می گردند، به طور نظام مند تشویق و حمایت شوند. سازمان ها برای این که بتوانند مدیریت دانش را توسعه داده و تقویت کنند، باید در ۵ فعالیت عمده مهارت لازم را کسب نمایند. "

[مدیریت دانش - ویکی پدیا، دانشنامه آزاد](#)

[fa.wikipedia.org > wiki >](http://fa.wikipedia.org/wiki)

[مدیریت دانش - دانشنامه رشد](#)

[daneshnameh.roshd.ir > ... >](http://daneshnameh.roshd.ir) [مدیریت](#) [اجتماعی](#)

تعریف فوق خیلی کلی و وابسته به دانش های مدیریتی غرب در ایران و ایر کشورها است، شمول عمده آن بشرح زیر است :

- دانش اطلاع رسانی چیست؟
- مهارت های مدیریتی
- نوآوری دانش در مدیریت
- مدیریت استراتژیک
- روند تکامل مدیریت

• تغییر مدیریت و ایجاد تنش در سازمان

• نقش آموزش در مدیریت

• نقش منابع هوشمند در مدیریت دانش

به عنوان مثال روند تکامل مدیریت را مطالعه میکنیم: شمول آن به قرار ذیل است:

• ظهور مدیریت

• اولین مفاهیم مدیریت و تاثیرات آنان

• رویکردهای کلاسیک

○ مدیریت سیستماتیک

○ مدیریت علمی

○ مدیریت اجرایی (اداری)

○ روابط انسانی

○ دیوانسالاری

• رویکردهای نوین

ریشه و سوابق و اصول آنها سال های متمادی از نظام غربی و ملهم از نظام سرمایه داری بوده و از نظر واژگان و ادبیاتی که ما در مدل UKRM برای مدیر توانمند و خلاق با شایستگی و مرجعیت استوار قائل هستیم ، در این ادبیات خبری نیست و این یکی از بزرگترین رمز و راز های است که کشورها را عقب انداخته است ، وقتی مدیریت را در ژاپن ویا کره جنوبی مطالعه میکنید ، ملاحظه میکنید ، که آنان اسلوب های فرهنگی ، بسیجی ، مقاومت و تعمیق در حقایق و هستی شناسی خاصی داشته که در علم و فناوری و مدیریت آن بر غرب چیرگی پیدا کردند ، ادوارد دمینگ (Edwards Deming) آمریکائی الاصل را که آمریکائی برونش کردند ژاپنی ها با برافراشتن طاق نصرت اورا وارد کشورشان کردند ، آنها اصول کیفی و کمی استاندارد ها با شاخص ها و مناطق های فنی فرهنگ خودشان با رهبری دمینگ ، طراحی و سازمان دهی نمودند ، تقلید در خمیر مایه توسعه از نظر تئوری و عملی نبود و ما نمونه های این شیوه را در کار چینی ها به عنوان کشوری با اقتصاد اول ، کره جنوبی ، آلمان و بعضی گونه های دیگر دیده ایم.

این خود آمدن یعنی جهان بینی مردمی که می خواهند نوکر و مقلد نباشد ، یعنی با ونتیلاتور (Ventilator) ساخته شده توسط غریبه ها نفس نکشند، یعنی یک عمر (عمری که یک نفر متولد میشود و پس از 90 سال میمیرد) هنوز قطعه اتومبیل وارد نکند ، یعنی تکنولوژی منسوخ و رنگ شده وارد نکند ، یعنی ، یعنی و هزاران یعنی ، این ها با حکمت درست میشود ، با فلسفه وجودی درست میشود ، اینها با مدیران شایسته و خیره و توانمند و استوار درست میشود که به رئیس جمهور کشورش متنوعش باج نمیدهد

(کره جنوبی) ، برای خودش ، نوه اش ؛ نگنده اش در سازمانی که مسئولیت دارد صندلی ریاست ودلالی درست نمیکند ، اشتغال شایستگی را برحسب دین دارای شخص ، اعتقاد شخص ، اخلاق شخص و صدها شاخص دیگر بنا می بگذارد ، اگر یک ژاپنی خطا کند از فشار شرمندگی ، خود کشی میکند ، کشوری که دارای اسلام و آئین الهی است ، هنوز برای احکام حیات بخش خود ، شاخص و مناطق فنی و استاندارد معنوی ندارد ، ما با تمام علیت تراکمی که عقب ماندیم و در بیشتر موارد ربطی به غرب و شرق نداشته ، بسیار گنه کار هستیم و اولین گناه ما پیروی از نظام های پوسیده غربی ها است که قدرت اداره خودشان هم را ندارند و فقط با زور و صورت گری های نمایشی از قدرت حبابی ، می خواهند بر ملت ها حکومت کنند .

همت ارسطو این بود که بر حسب مقتضای حقیقت طلبی خود ، اصول و منطق روش های تعلیمی خود را گردآوری کند ، چون با اینکه حقیقت امری ثابت و دائمی در هر زمان و مکان است ولی بر اساس اقتضای زمان و مکان ، ضرورت های زمان خود را جمع آوری ، تحلیل ، تدوین و در لباس معلمی ، ارائه طریق داد ، اگر چه افلاطون با آن موافق نبود ، این شیوه را دکارت ، کانت ، هگل ، فارابی ، ابوعلی سینا ، ملاصدرا و بسیاری از حکمای ظرفیت شناس زمان خودشان تشخیص و به طرح هستی شناسی ، و تدوین روش های مفید و براهین آن پرداختند ، مدل UKRM نمونه دیگری از این نوع تلاش ها ، و شالوده ای است که در زمان ما دارای هزاران خواص و مقتضای خودش را تدوین و به تدریج ارائه میشود و محور اساسی آن آموزش های تعلیمی ، روش های مدیریتی در میدان ها و محیطه عمل است و بطور اولی آنچه در مدیریت دانش از غرب فروخته بر عارضی دلفریب ، دورانش سپری شده و اگر غرب اینک بدنبال پروژه های یقینی و استاندارد معنوی در حکمت متعالیه و فلسفه اولی آغاز کرده است تا از این محرکه جهانی خود دهد ، دانشگاه های کشورهای تابع غرب و سرمایه داری ظالمانه ، این خرس زخم خورده را رها نمیکنند !

اساس مدیریت دانش مفید (UKRM) ، فرضیات غلط و فناوری منسوخ شده و انسان های فاسد و محیط تخریب را به کنار میگذارد ، این ها دیگر جواب نمیدهند و از امور سلبی زمان ما محسوب میشوند ، همانطور که کشاورزی با آبیاری غرقابی در شرایط گرمایش و خشک سالی کره زمین جواب نمیدهد ، همانطور که طرح آمایش مشاور ستیران فرانسوی (Advisor setiran French) " بر مدیریت آمایش سرزمین در ایران و جهان مقدمه ای د - دانشگاه تهران > elmi > teachers > farabi.ut.ac.ir > khanifar55 " در سال 1350 برای امروز ایران پاسخ گو نیست ، **بنابراین در هر سازمان که**

عنوان و معنی "مدیریت" را یدک میکشد ، اول باید تفکری عالی و در خور زمان برای مدیریت عدالت سازمانی خود برای تمام کسانی که نسبت به آنان تکلیف دارد

، داشته باشد ، تکیه بر فرضیات و طرح ها و نقشه های گذشته ، اقدامی شایسته و بایسته برای جمهوری اسلامی نیست ، چپستی ها و چرائی های ماهیت و ساختار مدیریت بر اساس مدل جدید تغییر کرده است ، ضرایب فنی نظیر ضریب جینی ، یا تولید ناخالص داخلی ، اصل پاراتو ، جدالهای فریبنده دلفی صدها مورد دیگر برخلاف حق و حقیقت بوده و امروز این مدل های بدرد طرح های لجستیکی عدالت توزیعی (به این

مقاله از این مبدع مراجعه شود) نمی خورد ، امتحان خودشان را پس داده و نمره قبولی نگرفته اند و یک جهان پر چالش را بر ما چیره کرده اند.

ما نیازمند درک آن حقایق دائمی و ثابت هستیم که قوانین خود را برای مدیریت جهانی شکوفا کند ، ارزش های واقعی و منبعث از حقایق عدالت را نه با حرف و نصیحت ، بلکه در عمل ، برای عموم مردم بصورت ضرایب عادلانه مشخص نموده و سنجه هایی را با اوزان مستلزم شاخص ها و مناطق های فنی و با شاخص هایی که عدالت و قسط را یقینی میکند ، به قانون و مقررات و پروتکل های اجرائی تبدیل کند ، چنین مدیریتی با فطرت انسانی سازگار بوده و مدل رهبر-پیرو (Leader-Follower) یا مدیر-کارگزار (Manager-Agent) را کارآمد کند ، اصولاً این پیروی از جنس شهودی است و دستور از صدر به ذیل مثل شهود و تقبل این حکم است که جمع دو ضلع یک مثلث از ضلع سوم بزرگتر است و یا مجموع زوایای یک مثلث مساوی نیم زوایای یک مربع است ، یک اقبال فطری است ، نه احکامی که با فطرت انسان تضاد دارد ، مثل اینکه مدیر منافع فراوانی از یک سازمان برای خودش و بستگانش تخصیص دهد و در مورد کارکنان سازمان اجحاف نماید ، عقل سالم حکم میکند از چنین مدیری اطاعت نشود .

موضوع صدق (The truth) یا درک حقیقت (Understanding the truth) مطلب کوچک و غیرقابل اقبالی نیست که با نصایح ، تنبیه ، ماماشات و هر گونه اعمال تنبیه های اداری و استخدای یا در اختیار گذاردن کارمند به کارگزینی حل و فصل میشود ، هزاران شرکت های بزرگ و متوسط و نوپا و غیره در سراسر جهان در دوران پائیزی منبعث از این رفتارهای مدیریتی ، مثل برگ درختان زرد شده به زمین میافتند ، باید به طبیعت انسانی و فطره انسانی نظیر طبیعت (Nature of nature) باید انس گرفت و این استیناس (seeking of sociability) با دستورات مدیریت دانش و یا فرضیه ای علمی بوجود نیاید ، با حکمت و تفکر عالی و درک های فلسفی و فرا روانشناسی حسی از نوع فراحسی و با اعتقادات انسان جهان بینی و هستی شناسی و دنیای پس از مرگ وی ارتباط تنگاتنگ داشته باشد ، دارد ، بنابراین یک شغل عادی نیست که با یک لیسانس مدیریت بتوانید یک مجموعه انسانی با رفتاری مدیریتی از نوع غربی اداره کرد ، دیگر افزایش هوش ، توسعه حافظه و دادن هیجان های کاذب ، جای نفس ناطقه انسانی (self power of speech from human) را پر نمی کند ، سازمان های موجود در جامعه (دولتی و خصوصی و غیره) محیط های بسته نیستند ، با جامعه ملی ، منطقه ای و امور بین المللی در تماس هستند ، دریافت های محیطی آن توسط کارکنان و کارگزاران ، نظیر یک شبکه جهانی کاملاً بهم پیوسته را بوجود آورده است و آن مدیری که این سرمایه انسانی بالنده و کارآمد دارد در (**حکم یک حکیم**) **The verdict of** **a sage**) است که او از مناسبات انسانی ، عدالت توزیعی ، نیاز های بشر دوستانه ، و ... **درک حکیمانه** (**Wise understanding**) دارد و به احکام مدیریتی غربی نظیر رفتارهای شرطی ، انحصار گذاری ، اجبار و زورگوئی ، رئیس بازی و دیوار بزرگ بین خود و کسانی که باید فرامین او را اطاعت کنند ، نمی باشد.

5. ضرورت خلق ارزش از اعتباریات حقیقی و منبعث از UKRM

The necessary innovation of values from true credits and derived from

UKRM

اعتباریاتی که ملهم از حُسن و قبح عقلی (Rational decency and obscenity) یا ذاتی است ، از رشد و توسعه تکوینی انسان (Human evolution) و سرچشمه فطری ، ، مربوط به تولید و وراثت و واپسته به اصل و پیدایش موجودات در پیرامون اوسرچشمه میگیرد ، حرکتی کاملاً طبیعی و بدور از اعتبارات ساختگی از تصمیم های سلیقه ای مدیران و دستورالعمل های خود محور و انحصاری است ، موادی است که اعتبار آن در دست سلطه گر و دیگران نیست ، ساخته شده بشر نیست ، آمیخته ای از علیت تراکمی که با تشکیل آن ارزش های اعتباری مربوطه را اعطاء میکند و این نیز بخش مهم از دست آورد های خلاقیتی شرکت های دانش مفید بنیان (Useful knowledge of the foundation) است و ترم های جدید خود یا هرمنوتیک جدیدی را ارائه میدهد و سعی میکند از وجود اعتباریات اجتماعی با ارزش های آن بهره مند شود که در ساختمان کلی جامعه ، هم جوشی (agglomeration) ارزش آفرینی را در توسعه اقتصادی- اجتماعی داشته باشد ، این نوع توسعه گرایی که در خلقت خود انسان از سوی خداوند متعال بوی اعطاء شده است ، کاملاً وفق داشته که ترم های آن در ثلاثی های آموزه های این طرح آمده است (UKRM) در چنین میثاقی ، بین بنگاه ها و نهادهای اجتماعی و خود موجودیت جامعه فاصله ای نیست ، در واقع ما در وحدت کثرت و کثرت وحدت (of unity is plurality and plurality of) به ماهیت های فلسفی و ساختار های اجتماعی این نوع اعتباریات پی میبریم ، این پدیده جدی بمعنی آزادی انسان (Human freedom) است، در رساله جداگانه به این موضوع پرداخته شده است.

در این بحث محوری و ذاتی انسان که از مسائل علم الحیات (biologisty) است به برکت درک صحیح از حکمت و خرد ورزی که متکی به فیوضات الهی است آیه 269 از سوره بقره " يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ ۚ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا ۗ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ " یعنی : " خداوند متعال حکمت را به هر کس بخواهد می دهد، و آنکه به او حکمت داده شود، بی تردید او را خیر فراوانی داده است و جز صاحبان خرد، کسی متذکر نمی شود. " حاکی از نعمات فراوان ، دانش فراوان و گشایش پنجره های الهام و خیر کثیر است که بسوی صاحب خرد (The wise owner) سرازیر میگردد، اگر از این شالوده حکیمانه غفلت شود که شده است ، ضد آن یعنی فقر ، نادانی (یک نوع فقر است) ، از جیب یکدیگر ربودن ، گسترش فساد و تباهی و هزاران درد بی درمان دیگر جامعه فرامیگیرد که گرفته است ، انسانی این چنین گرسنه و فقیر شده است با نان سیر نمیشود (به مراسم نان دادن به 41 میلیون امریکائی توجه شود) ، این فعالیت تدبیری است از ناحیه حکمت و فلسفه اولی و آنچه که حکیمان تعلیم داده اند نه مکتب های فاسد غربی که در قرن بیستم توسط فیلسوفان بدکردار (Evil philosophers) غرب را به ذلت کشاند و کاخ ها ، انحصار ها ، اسراف ها ، استنثار و استعمار و چپاول نظام سرمایه داری را اشاعه داد، انسان که از نعمات الهی و ارزش های اعتبارات حقیقی سیراب میشود ، دیگر فقیر و ذلیل نیست ، اقتدار مدیریتی خود را

از کسی عاریه نمیگیرد.

www.alef.ir > news الف - آمریکا

www.alef.ir فقر و گرسنگی در آمریکا - خبرگزاری صدا و سیما

www.iribnews.ir > news فقر و گرسنگی در آمریکا...

دانه این التذاذ ناب روحی و مطلوبیت ها و فرصت های بی شمار این سیر تکاملی که بصورت یک فرهنگ معنوی و عملی متبلور میشود ، کشوری بدون منابع خام اولیه را با این سرمایه انسانی و اعتبارات ارزشمند علمی و دانش بنیان ، به تولید پرارزشمندترین محصولات نائل میکند ، ژاپنی ها خام میخرند و محصولات قیمتی صادر میکنند ، مازاد تجارت خارجی آنان بیش از کل تولید ناخاص بسیاری از کشورها است ، کشورهای دارای منابع خام فروشی میکنند و بنجل و منسوخ شده وارد میکنند ، پس حرکت جوهری را کی فهمیده ، چه کشوری دریافته و به تراز بندی سلب و ایجاب خود پرداخته و برنامه 100 ساله برای بنائی بزرگ در جهان طراحی کرده است ، از سرمایه حکیمانه خود و از موادخام دیگران ، قدرت اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی و اجتماعی و تکنولوژی ممتاز ساخته است ، اینست اصول سیر و سلوک انسان بسوی فطرت ، تکوین و طبیعت خود که به سرمایه عظیمی تبدیل میشود.

چگونه میتوانیم ادعا کنیم با نصایح از یک سوی و دروس حسی از سوئی دیگر و غارت بیت المال مردم و دست اندازی آقازاده ها به ارکان کشور و مماشات فراوان و سایر جهات دیگر ، می توانیم کشوری توسعه یافته یا پیشرفته داشته باشیم ، حقایقی که توسعه یافته یافتگان موفق و بدون غل و غش (یعنی بدون کینه ، دشمنی ، حسادت ، عداوت ، غرض ورزی ، بددلی ، قلب کردن ، نادرستی و...) توانسته اند با سرمایه های حقیقی بدست بیاورند ، این حقایق را از کجا آوردند؟ کتاب تولیدی آنان در تفکرسیستمی ، تعقل و تدابیر مدیریتی ، شاخص و مناط های فنی ، استاندارد های کیفی و کمی و 6 سیگما و هزاران نسخه اعتباری ارزشمند برای سایر ملل یک راهنما است و درحالی است که حکمتی که ما دارای آن هستیم مثل منابع خام ما و خیلی بیش از آن بوده ، بیشتر و غنی تر است ، آیا به اندازه آن همت و مدیریت و تدبیر های حکیمانه آنان نیست ، مگر آن تکانه ها و انگیزش که محرک اصلی این قوت ها و تبلور استعداد های درونی و فطری است ، درحوادث و مقدرات الهی ، باعث رشد و توسعه ملت هاشود.

یعنی بین موضوعی که انسان پیرامون آن فکرحسی میکند و در زندان ذهن (شعری از این مولف) تحلیل میکند با آن حقیقتی که مفیدیت و سرمایه حیات بخش زندگی ما تضمین میکند، فاصله از ثری تا ثریا است ، برای کسی که در ادبیات کذائی ، انسان را شیر خطاب میکند و به شیر بودن آن می بالد ، واقعاً چه محمولی (consigned) در ذهن و ادبیات زندگی خود ، حمل میکند ، اگر گفت این انسان فکر نمیکند به حقیقت نزدیک تر است ، این طرز تفکر به منطق ، علت و معلول ، وعلیت تام نزدیک نیست ، یک عمر در پی سیمرخ رفتن در کوه قاف ، طی الارض کردن در عالم خیالی خود و سایر وهمیات که فقط اساس سرگرمی بودن مصادیق غیرواقعی و غیرحقیقی است ، مفیدتی ایجاب نمی کند ، فرهنگی متنوع ، با رنگ

و بویی که در گردش گری میلیونی و همراه با تفریحات و تنقلات و تفرّج های سالب بسیاری از فرصت های توسعه است ، آیا جایگزینی از طرق طرح آمایش ، توسعه صنعتی ، فعال کردن کارخانجات تعطیل ، بر خورداری از شاخص های گم شده بهره وری و کارآفرینی و خلاقیت در تولید و جهش تولید و نیل به شاخص های اقتصادی که هم تراز با پتانسل و منابع کشور را نداشتیم .

شما خواننده محترم سری بزنیید به قرآن کریم ، روایات ائمه معصومین (ع) ، حکمت های به ارث رسیده از حکمای برتر کشورهای اسلامی و بخصوص ایران و حکمت ها و فلسفه های حیات بخش از کسانی نظیر علامه طباطبائی و سایر دانشمندان شهیر اسلام و ایران ، که من دوترابایت از این گنجینه را مطالعه کردم و افسوس خوردم ، آنان چه گفتند و چه تعالیمی برای به ارمغان گذاشتند و ما از چه کسانی تقلید کورکورانه کردیم و هنوز هم مقلد شیوه های نادرست آنان هستیم ، انسان معرفت را از خود و منابع سرشار خود وقوا و استعداد های خدادادی کسب میکند که در این گنجینه اسلوب و روش های آن آماده است ، مثل هر چیز دیگر این مثل درست و صادق است (که آب در کوزه ما تشنه لبان میگردیم) یعنی بی اطلاع هستیم از آنچه داریم و یا ما را مجبور کردند که از منابع سرشار خود با خبر نشویم ، به آنچه بما ارث رسیده وقعی نگذاریم ، نوکر باشیم ، سرسپرده باشیم و حتی این سرسپردگی آمیزه فکری ما باشد، در مدیریت هم سرسپرده باشیم ، مقدرات را در دست دشمن بدانیم در همت و حیثیت و قدرت مقاومت و تلاش خودمان ، در فرانقلاب ایران ، آنهم با زعامت حکیمی عالیقدر چون خمینی (قدس سره شریف) و بعد با مقدرات و حوادث تکان دهنده و انگیزه دار ، صاحب چیزهائی شدیم که دوست هم وطن را خوشحال و دشمن داخلی و خارجی را خشمگین و عصبانی نمودیم ، ولی هنوز محتاج به چیزهائی هستیم که خود داریم و از دشمن طلب میکنیم ، درد بزرگی است.

6. رفع روانشناسی بی تفاوتی در مدیریت های فاقد ارزش حقیقی باید چگونه انجام شود؟

in the managements, The Elimination of Indifference psychology

How to do it without true values?

بی تفاوتی به معنی عدم علاقه به مسائل اصولی زندگی و جهان هستی است ، آدم بی تفاوت احساس دارد ولی انگیزه (Motivation) ندارد ، اشتیاق ندارد ، معنوی نیست ، فلسفی نیست ، عاطفی نیست ، آدمی است که در بسیاری از مراحل زندگی و آزمون ها و مواجهه ها ، خنثی است ، یک گوشه نشسته مشغول سیگار کشیدن است و بی اختیار به آسمان و یا یک نقطه بی هدف نگاه میکند ، برای زندگی خود هدف ندارد ، اعتماد به نفس ندارد (Self Confidenc) معنی ارزش ها و اعتبارت ، حقایق و این گونه معانی را که در ماهیت و ساختار زندگی وی نقش اساسی دارد ، نمیداند ، در رویارویی با حوادث روزگام ناتوان ، خود باخته (meaning is slightly different in Persian) و ناآرام است ، آمادگی برای فراگیری مهارت های لازم در حیات خود ندارد ، این فرد معلوم علل فعال دیگران به این طرف و آن طرف هول داده میشود ، یعنی هرکس میتواند وی را باقصدی که در نیت خود دارد او را به تله ای بیفکند و یا بهر کاری که شایسته انسان ارزشمند نیست ، وادارش کند ، در حالت اعراض، بیم، پروا، ترس، خوف، دهشت، رعب،

وحشت، هراس، خود را میبازد، چنین موجودی دارد انتحار (suicide) میکند، اینها روانشناسی بی تفاوتی (indifference psychology) است، بیک عبارت برای مدیریت و اداره سازمان مناسب نیست و حتی مضر است (نمونه های این گونه افراد مهمل (idle persons) را بارها و بارها در جوامع خودمان در مصادر امور دیده ام.

شما خواننده محترم امکان دارد اعتراض بکنید که چنین داوری برای بعضی افراد کار درستی نیست، من قبول دارم، سوال میکنم چگونه چنین شخصی را باید چالش گر (challenger) نمود، تکلیف مدار کرد، مسئولیت داد، وی را نقاد بار آورد، عمیق طلب نمود، که بجای نشستن و غصه خوردن، با شادمانی مسیر زندگی متعالی را بگذارد، از تفکر پوچ و غلط دست برداشته و اثر بخش شود، اعتیاد را کنار گذاشته و بسوی یک زندگی سالم روی آورد، از این گوشه گیری و عزلت که آثار در آلزایمر (Alzheimer)، پیری زود رس (Premature aging)، طرد اجتماعی (Social exclusion) و غیره است، نجات یابد، شاید با این توضیحات قانع شوی و قبول کنی که این گونه اشخاص که در لابلای سطوح سازمانی و در بعضی مسئولیت و گاهی در مناصب هستند، برای تصدی گری مساعد نیستند! دو راه وجود دارد، یکی بروز حوادث روزگار و وقوع مقدرات سخت در دوران زندگی هر کس و نیز برای این افراد است، یعنی تکانه های شدید که وزن و چگالی آنها با وزن و نوع انگیزش های روانشناسی فعلی بسیار متفاوت است، از این روانشناسی های حسی - ابطالی، مردان و زنان مقاوم، جنگ جو، قهرمان، وقائم به خود و خدای خود، پیروز میدان های نبرد با سختی ها و رنج و مصیب ها، بوجود نمی آیند، یک ویروس به اندازه یک صدم قد نانو متر (nm)، هزاران نفر از افراد جامعه را یا قهرمان و جهادگر میسازد و یا به تنفیح جامعه میپردازد.

شرّ های الهی و هرگونه حوادث ناگوار جهانی یا ملی در واقع یک نوع خیر برای ابنای بشر است آیه 216 سوره بقره " كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ " یعنی " حکم جهاد بر شما مقرر گردید و حال آنکه بر شما ناگوار و مکروه است، لکن چه بسیار شود که چیزی را مکروه شمارید ولی به حقیقت خیر و صلاح شما در آن بوده، و چه بسیار شود چیزی را دوست دارید و در واقع شرّ و فساد شما در آن است، و خدا (به مصالح امور) داناست و شما نادانید. " (Fighting has been enjoined upon you while it is hateful to you. But perhaps you hate a thing and it is good for you; and perhaps you love a thing and it is bad for you. And Allah Knows, while you know not.)
نبود حوادث جنگ و دفاع، تحریم، مشکلات اقتصادی و زلزله ها و بیماری فراگیر و غیره، این همه آدم های پای کار و مجاهد و وفادار نبودند، در خوشی ها، سرگرمی ها، در پول و منال غوطه خوردن افرادی مثل سلطان دلار و سکه یا زنجانی فلک زده زایش میکنند، بدبخت است آن بچه ای که در خانه پول دار و اموال مردم چپاول کرده در ناز و نعمت فراوان غنوده (the become rest and quiet) خورده و خوابیده و به شهوات پرداخته و این که پدر مست بی عقل خود را در حوادث روزگار از دست داده

واژدهای فقر (The dragon of poverty) به سراغش آمده ، طاقت یک روز زندگی کردن ندارد ، اینها دلیل صدها انتحار در کشورهای سرمایه داری غرب است .

یک راه دوم است که از برکت عنایات حق تعالی نصیب افراد پرهیزگار وبه خود آمده نصیب آنان میشود وبسیار بودند وهستند که این نوع برگزیدگان سرافراز که اهل گناه بودند درخانه امن توابین (Repents) استقرار یافتند وبه بارعام در درگاه الهی شرفیاب (to seek the honour of (the person whom onewishes to meet)) شدند، 91 بار خداوند متعال این بازگشت شگفت انگیز انسانی را خاطر نشان کرده وبه این بندگان عنایت خاص داشته است " و إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَا فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ (*) ؛ هنگامی که بندگانم از تو درباره من سوال کنند، (بگو) من نزدیکم به دعا کننده به هنگامی که مرا میخواند پاسخ میگویم، پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا راه یابند و به مقصد برسند. " به این آدرس مراجعه شود:

www.beytoote.com/sundries/repentance1-بیتوته ، [*توبه و پذیرش آن از سوی خداوند – بیتوته](#) ، [blessing](#)

وای بحال آنکه برای دوران عبادت خود و غرّه شدن در تقوای خود و طلب کاری از خداوند از آن عنایت که خداوند متعال برای بازگشت کنندگان به ساحت مقدس الهی مقدر کرده است ، بهمان وزن نصیبشان نمیشود ، برتری های زیادی برای توبه نصوص (irrvoale Repentance) است که هم در دنیا وهم در آخرت نصیب آنها میشود ، داستان راستان شگفتی برگشت پذیران در تاریخ انسانیت از انسان های برگشت از گناه وتوبه آنان در درگاه خداوند متعال فراوان است وهیچگاه ناامیدی نیست که صفحات تاریخ زندگی با شرافت انسان های پرهیزگار ونجات از لجن زار گناه و شهوت رانی های دنیوی نشان میدهد که یک نمونه تاریخی آن حرّابین یزید ریاحی در واقعه کربلا بوده است " ندایی شنید که: "ای حر! مرده باد تو را بهشت" "

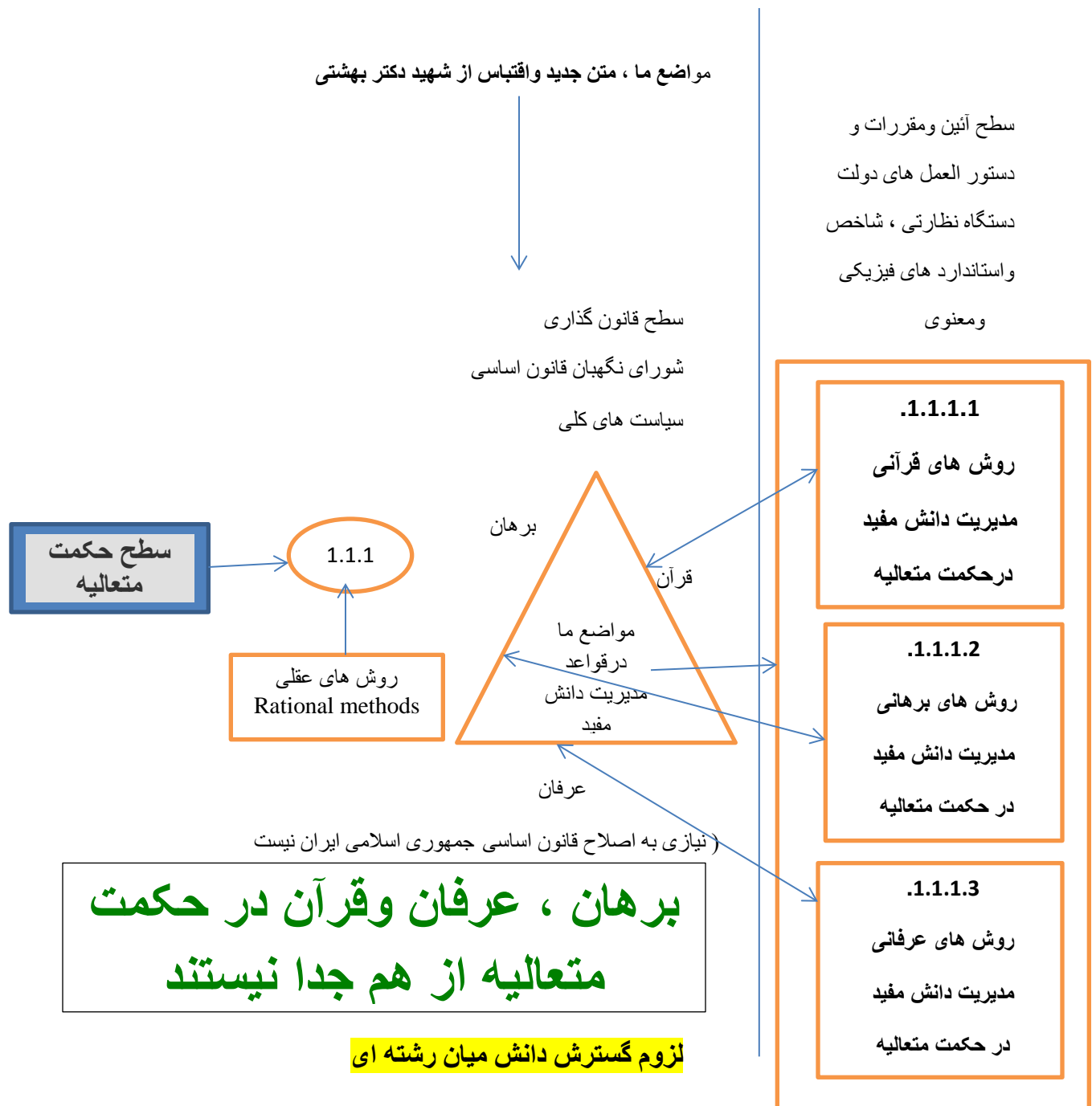
اینست روانشناسی اسلامی ، اینست آدم شدن در راه خیر وفدا شدن در راه عدل وندای مظلومیت جهانی شنیدن ، اینست انسانیت که همه هستی خودرا برای نجات صرف میکند ، تمام دانشمندان یکتا پرست نظیر نیوتن وانیشن این چنین بودند ، روان شناسان در کشورهای اسلامی بجای آنکه از وصایای وآموزه های قرآنی وائمه اطهار(ع) در لابلای فعالیت روانشناسی چاشنی گذاری کنند ، بیایند در راستای روانشناسی اسلامی خلاقیت نشان دهند وبه دنیای غرب وروانشناسانی مثل فروید (Freud) پشت کنند وبدانند که این اسلام است که آئین فردای جهان ما وتمدن ما راتعیین میکند ، این همان حرکت جوهری که سرچشمه آن در ذات انسان واشیاء است ، وقتی خالص میشود یک گرم آن بیش از چند کیلوی آن قیمت دارد، این است مازاد تجارت خارجی ما که با وزن فقط اندازه گیری میشود که معیار آن ارزش است ، از کشف بالاتر ، هم جوشی است ، اتحاد ملت ها وجوامع بشری وحركت جوهری وصلح جهانی است ، انسان برخاسته از دورن خود دیگر کودن (Stupid) نیست ، دیگر ذلیل نیست، کاشف ارزشهایی است که فراوان خداوند متعال به او داده وصدها پنجره بسوی او گشوده است.

با این معیار و مناطق فنی مشخص می توانیم بگوئیم که انسان عصر ما در خواب است ، در خواب راه می رود ، در خواب می خورد ، در خواب میجنبند ، در خواب به عنوان کار و شغل یک جنبشی در خور همین تنبلی دارد ، ولی انسان برجسته جزء برجستگی ، توانمند شدن ، کارهای شگفت انجام دادن ، و از فرصت های تقدیری بهره بردن ، دنبال حکمت و حکیمان رفتن ، و از لاک حسی و جسمی که زندان او است نجات یافتن ، راه دیگری طی طریق نمیکند([ان الله تعالی یحب معالی الامور و اشرافها و یکره سفاسفها](#) - جامع الصغیر ج1، ص75 یعنی خدا کارهای بزرگ و مرتفع را دوست می دارد، از چیزهای پست بدش می آید) که بزرگترین مدال او آن حضرت امام حسین علیه السلام و سالار شهیدان تاریخ انسانیت است که رفعت و عظمت را از آن خود میکند که وقتی می خواهد سخنی از پیغمبر نقل کند اینچنین سخنی را انتخاب می کند، در واقع دارد خودش را نشان می دهد، و تمام انسان هائی این راه بزرگ از حسین زمان آموختن را نشان میدهد.

7. . نگاهی اجمالی به جزئی از طرح مفهومی پلتفرم UKRM (به سایر رساله ها در مورد طرح مفهومی این پلتفرم مراجعه شود)

A brief look at a part of the conceptual design of UKRM platform (refer to other discourse about conceptual design of UKRM platform)

با توجه به طرح مفهومی پلتفرم UKRM زیر: کلیات طرح مفهومی در سایر رساله های این ابداع کننده آمده است



1.1.1.1 روش های قرآنی مدیریت دانش مفید در حکمت متعالیه

1.1.1.1.1 آموزه های مدیریتی حکمت متعالیه

1.1.1.1.2 راهبردهای مدیریتی حکمت متعالیه

1.1.1.1.3 مولفه های سیاسی-مدیریتی حکمت متعالیه

1.1.1.1.4 تصمیم سازی وتصمیم گیری از منظر حکمت متعالیه

1.1.1.1.5 ضرورت های بالقیاس وبالغیر در مدیریت در حکمت متعالیه

- 1.1.1.1.6. طراحی مدیریت عمومی حکمت متعالیه (شمول مدیریت عمومی)
- 1.1.1.1.7. برنامه ریزی از منظر حکمت متعالیه
- 1.1.1.1.8. تبیین شاخص ها و مناطق ها هدایت قرآنی حکمت متعالیه
- 1.1.1.1.9. موضوع تفکر انسان و خلاقیت در مدیریت دانش مفید در منظر حکمت متعالیه (خلاقیت و دانش بنیانی)
- 1.1.1.1.10. لزوم بروز و ظهور تهذیب نفس در مدیریت قرآنی (خود سازی انسان و خروج از حالات حیوانی به انسانی)
- 1.1.1.2. روش های برهانی مدیریت دانش مفید در حکمت متعالیه**
- 1.1.1.2.1. اصول و فروع برهان در حکمت متعالیه
- 1.1.1.2.2. روش های کمک کننده باین طرح در فلسفه مشائی
- 1.1.1.2.3. روش های کمک کننده باین طرح در فلسفه اشراق
- 1.1.1.2.4. روش های کمک کننده باین طرح در علم کلام یا عقائد دانشی در محدوده جهان بینی اسلام
- 1.1.1.2.5. روش های که میتوان از قرآن و احکام و حیاتی دریافت کرد
- 1.1.1.2.6. روشهای مدیریتی در سنت و اخبار معصومین (ع)
- 1.1.1.2.7. هستی شناسی براهین حکمت متعالیه در مدیریت
- 1.1.1.2.8. انسان شناسی براهین حکمت متعالیه در مدیریت
- 1.1.1.2.9. مبانی منطقی برهان در حکمت متعالیه که در این طرح الزام پیدامیکند
- 1.1.1.2.10. احکام یقینی حکمت متعالیه در باب مدیریت
- 1.1.1.3. روش های عرفانی مدیریت دانش مفید در حکمت متعالیه**
- 1.1.1.3.1. تشخیص ظرفیت های روش های عرفانی در باب مدیریت (اشراق عقل)
- 1.1.1.3.2. تبیین انسان سازمانی در علم النفس حکمت متعالیه (روش شناسی)
- 1.1.1.3.3. روش فلسفه اولی صدر المتألهین در مدیریت (وجدان و مکاشفه)
- 1.1.1.3.4. روش مکتبی صدر المتألهین در مدیریت (باب العقل والجهل)
- 1.1.1.3.5. انسان سالم از نظر روح در مدیریت
- 1.1.1.3.6. انسان سالم از نظر ذهن در مدیریت
- 1.1.1.3.7. انسان سالم از نظر جسم در مدیریت
- 1.1.1.3.8. انسان سالم از نظر نفس در مدیریت
- 1.1.1.3.9. کشف روش های وصفی- تحلیلی از مکتب ملاصدرادر مدیریت
- 1.1.1.3.10. بررسی عرفان نظری و عملی در مدیریت
- 1.1.1.1. روش های قرآنی مدیریت دانش مفید در حکمت متعالیه**
- 1.1.1.1.1. آموزه های مدیریتی حکمت متعالیه
- حکمت متعالیه ملاصدرای شیرازی تحت عنوان تئوری مدیریت متعالیه (Transcend or Motaali Management) معرفی شده است شامل :

ضرورت وجود یک نظام مدیریتی برای جوامع بشری، موجب ظهور نظریات مختلف و گاه متعارض شده است. از سوی دیگر هر نظریه‌ی مدیریتی، مولود نوعی معرفت‌شناسی است که بر مبنای اندیشه‌های جهان‌شناسی و انسان‌شناسی (با شیوه برهانی)

آموزه های مدیریتی حکمت متعالیه

مولود نوعی
معرفت شناسی

بر مبنای
اندیشه های
انسان شناسی

بر مبنای اندیشه های
جهان شناسی (هستی
شناسی)

جهان بینی

جهان خلقت
(ممکنات)

واجب و ممکن

بعد بازی نبودن و عبث و خنثی نبودن جهان هستی و درتله

باقی نماندن در تله کلیات و به واجبات عمل کردن و به ممکنات پرداختن در روی زمین پرداختن ، شامل:

1. ابعاد قانونی شمول و روش های آن ، آئین نامه ها ، مقررات ، دستور العمل ها ، شاخص ها و استانداردها معنوی و فیزیکی ، در اقتصاد ، در سیاست ، در فرهنگ و روابط اجتماعی و رسیدن به جزئیات سیستمی آنها و ابطال روش های غربی و سرمایه داری (آیات 16 الی 33 سوره انبیاء):
2. آسمانها و زمین و هر چه را که میان آن دو است به بازی نیافریده ایم (16).
3. اگر بازیگر بودیم و می خواستیم بازیچه ای بگیریم آن را از نزد خویش می گرفتیم (17).
4. نه اینطور نیست، بلکه حق را به روی باطل می گوئیم تا درهم بشکند و یکباره نابود شود، وای بر شما از این وصف که می کنید (18).
5. هر که در آسمانها و زمین است متعلق به او است، فرشتگان که نزد او هستند از عبادتش استکبار نمی کنند و خسته نمی شوند(19).
6. شب و روز تسبیح می گویند و سستی به خود راه نمی دهند(20).
7. آیا از زمین خدایانی گرفته اید که حیات دوباره بدهند(21).
8. اگر در آسمان و زمین خدایانی جز خدای یکتا بود تباه می شدند، پروردگار عرش از آنچه وصف می کنند منزّه است (22).
9. خدا از آنچه می کند بازخواست نمی شود ولی آنان بازخواست خواهند شد (23).

10. آیا آنها جز او خدایانی گرفته اند؟ بگو برهان خویش را بیاورید اینک این کتاب اصحاب من و این کتاب اسلاف من (نه هیچ برهانی ندارند) بلکه بیشترشان حقیقت را نمی دانند و خود اعراض گراندند (24).

11. پیش از تو هیچ پیغمبری نفرستادیم مگر آنکه به او وحی کردیم که خدایی به جز من نیست پس تنها مرا عبادت کنید (25).

12. گفتند: خدای رحمان فرزندی برای خود برگزیده ولی او منزله (از داشتن فرزندان) است و اینها (فرشتگان پسران وی نیستند بلکه) بندگان شایسته هستند (26).

13. که هرگز در گفتار از خدا پیشی نمی گیرند و به فرمان او کار می کنند (27).

14. هر چه جلو رویشان هست و هر چه پشت سرشان می باشد می داند و شفاعت جز برای آنکه خدا رضایت دهد نمی کنند و از ترس لرزانند (28).

15. هر که از آنان بگوید: من خدایی به جز خدا هستم به همین جرم جهنم را سزایش خواهیم داد، و همه ستمگران را چنین سزا می دهیم (29).

16. آیا کسانی که کافرنند، نمی دانند که آسمانها و زمین پیوسته بود و ما از هم بازشان کردیم و هر چیز زنده ای را از آب آفریدیم پس چرا ایمان نمی آورند؟ (30).

17. و در زمین کوههای ثابت و استوار نهادیم تا شما را نلرزاند و نیز در زمین دره ها و راهها قرار دادیم تا ایشان هدایت شوند (31).

18. آسمان را سقفی محفوظ کردیم ولی آنها از عبرتهای آسمان روی گردانند (32).

19. اوست که شب و روز را آفرید و آفتاب و ماه را خلق کرد که هر یک در مداری شناورند (33).

موارد فوق بخش کوچکی از آیات و بینات در مورد هستی شناسی و امور واجب و ممکن است که براهین آن در فلسفه و منطق اسلام آمده است و کاملاً قابلیت تبدیل به روش و کارکرد های اجتماعی بصورت شاخص ها و مناط ها و تدوین استاندارد های معنوی و فیزیکی است و این شمول نباید در قرآن روی طاقه ها و قرآن خوانی صرف و قرائت در سر قبرها و این صورتگری بوده و بازپه قرارگیرد ، تمامی آنها باید بصورت واضح و با تاکید و تبیین شاخص ها و استاندارد ها در قانون و مقررات قید و برای مردم ایجاب شده و موارد مغایر آنها سریعاً سلب گردد.

در لغت نامه مرحوم دهخدا آمده است که در مورد ایجاب و سلب ، نکات زیر لازم به مراعات است:

ایجاب) . ع مص) فرض کردن. (منتهی الارب) (آندراج) . || لازم گردانیدن . (آندراج) (از اقرب الموارد). يقال اوجب لك البيع. (منتهی الارب) (ناظم الاطباء) (از اقرب الموارد). لازم کردن . (غیاث اللغات) . || طپانیدن دل کسی را. (منتهی الارب) (آندراج) . يقال : اوجب الله قلبه . (منتهی الارب) . || کاری کردن که بسبب آن بهشت یا دوزخ واجب گردد. (منتهی الارب) (آندراج) . || یک بار خوردن در شباروزی . (منتهی الارب) (آندراج) (از ناظم الاطباء) . || واقع ساختن نسبت . (تعریفات) . || ثابت و مقرر نمودن . (غیاث اللغات) . || ضد سلب . مقابل جاب) . ع مص) فرض کردن. (منتهی الارب) (آندراج) . || لازم گردانیدن . (آندراج) (از اقرب الموارد). يقال اوجب لك البيع. (منتهی الارب) (ناظم الاطباء) (از اقرب الموارد). لازم کردن . (غیاث اللغات) . || طپانیدن دل کسی را. (منتهی الارب) (آندراج) . يقال : اوجب الله قلبه . (منتهی الارب) . || کاری کردن که بسبب آن بهشت یا دوزخ واجب گردد. (منتهی الارب) (آندراج) . || یک بار خوردن در شباروزی . (منتهی الارب) (آندراج) (از ناظم الاطباء) . || واقع ساختن نسبت . (تعریفات) . || ثابت و مقرر نمودن . (غیاث اللغات) . || ضد سلب . مقابل

سلب . تقابل . قبول کردن . پذیرفتن.

این بحث تا انتهای تعیین روش های علمی ، دانش بنیان و فنون و مهارت های لازم آن در مدل یگانه UKRM ادامه دارد ، موضوع را از سایت من دنبال کرده و یا با ایمیل من در انتهای هر صفحه مراجعه و وارد دیالوگ منطقی آنها شویم و از کلیات بپرهیزید ، بمحض اقتناع و اعتقاد به احکام مصرحه الهی ، بدنبال تعیین روش ، شاخص ها و استانداردهای آن باشید ، و از ظرفیت و فرصت های موجود ملی و فراملی بهره بگیرید



بر مبنای اندیشه های انسان شناسی

لیست محصولات انرژی هسته ای در فناوری جهان:

1. نیروگاه هسته‌ای (Nuclear Power Station)
2. یل برق هسته‌ای Nuclear Electric battery
3. در پزشکی تشعشعات هسته‌ای کاربردهای زیادی دارند که اهم آنها عبارتند از:
4. رادیو گرافی
5. گاما اسکن
6. استرلیزه کردن هسته‌ای و میکروب زدایی وسایل پزشکی با پرتوهای هسته‌ای
7. کاربردهای کشاورزی
8. تشعشعات هسته‌ای کاربردهای زیادی در کشاورزی دارد که مهمترین آنها عبارتند از:
9. موتاسیون هسته‌ای ژنها در کشاورزی
10. کنترل حشرات با تشعشعات هسته‌ای
11. جلوگیری از جوانه زدن سیب زمینی با اشعه گاما
12. انبار کردن میوه‌ها
13. دیرینه شناسی (باستان شناسی) و صخره شناسی (زمین شناسی) که عمر یابی صخره‌ها با C14 در باستان شناسی خیلی مشهور است.
14. کاربردهای صنعتی
15. در صنعت کاربردهای زیادی دارد، از جمله مهمترین آنها عبارتند از:
16. نشت یابی با اشعه
17. دبی سنجی پرتویی (سنجش شدت تشعشعات ، نور و فیزیک امواج)
18. سنجش پرتویی میزان سائیدگی قطعات در حین کار
19. سنجش پرتویی میزان خوردگی قطعات
20. چگالی سنج مواد معدنی با اشعه
21. کشف عناصر نایاب در معادن